

سیدضیا گفت: بعد چه می‌شود؟ گفتم: بیندازمش بیرون. گفت: نه شما او را آورده‌اید و نه شما می‌توانید او را بیرون کنید. گفتم این توهین (تلگراف عزل) را چه کنم؟ گفت: کار فروغی را من درست می‌کنم. این مردک قزاق (رزم‌آرا) هم چنان از صحنه سیاست ایران خواهد رفت که دیگر بر نخواهد گشت.»- [کتاب خاطرات سیاسی خفیه‌نویس- نشر مرکز]

شاید تصور شود این نقل با نقش شاه منافات دارد اما اگر نقل کنم که خود از زبان مرحوم حاج‌علی اکبر پوراستاد از اعضای ارشد فداییان اسلام (که بعد از انقلاب نمایندهٔ مجلس هم شد)، شنیدم که سیدضیاء را نزد نواب صفوی دیده بود این سه را می‌توان کنار هم قرار داد و در خاطره دیگر فرضیه اصلی این نوشته (نقش شاه) بیشتر تأیید می‌شود.

سیدضیاء در گفت‌وگو با صدرالدین الهی می‌گوید: «خدمت اعلیحضرت بودم تا مشورتی داشسته

باشم... اما نوعی حواس‌پرتی و پریشان‌خاطری در ایشان می‌دیدم. مدام به ساعت نگاه می‌کردند. به تلفن خیره می‌شدند و اصلاً حواس‌شان به من نبود... در این اثنا در ناگهان باز شد. کسی شتاب‌زده بر آستانه در ظاهر شد و بدون اینکه مرا دیده باشد یا بر اثر هیجان با صدای بلند گفت: تمام شد قربان! اعلیحضرت راحت توی صندلی افتاد و چشم‌ها را بست و پس از لحظه‌ای گشود و به من گفت: اُقا! فردا پس‌فردا بیاید تا حرف‌مان را تمام کنیم.»- [سیدضیاء- مرد اول یا دوم کودتا- صدرالدین الهی- انتشارات کتاب آمریکا] در بالا به امیر اسدالله علم اشاره شد. او که هنگام ترور رزم‌آرا وزیر کار بود و تا پایان عمر از نزدیک‌ترین چهره‌ها به شاه در یادداشت‌های روز ۲۷ بهمن ۱۳۴۹ می‌نویسد: «در هواپیما نشسته بودیم. به سوئیس می‌رفتیم. شاهنشاه صحبت عجیبی فرمودند... هر که با من در افتاده از بیهن رفته... مثال برادران کندی را می‌زدند... در داخله هم مصدق و تا اندازه‌ای قوام‌السلطنه و رزم‌آرا که من یقین داشتم خیال سوءنیت به شاه داشت کشته شد. هنگام کشته شدن او من همراه او بودم. او نخست‌وزیر بود و من وزیر کار. با هم به مجلس فاتحه در مسجد شاه رفته بودیم. چندین گلوله به او خورد ولی من جان سالم به در بردم. در حالی که داشتم با او درِگوشی صحبت می‌کردم.»

این که علم هیچ آسیبی ندید و رزم‌آرا کشته شد چند احتمال را به میان می‌آورد: یکی ناشی از بخت و اقبال بوده و باید فارغ از هر سوءظن سیاسی ارزیابی شود. دوم این که ضارب می‌دانسته کی را باید بزند و طبعاً علم در دستور کار نبوده و سوم اگر همچنان کار فداییان اسلام و شخص طهماسبی بدانهم بقایای آنها بعد از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به جای این که سراغ علم بروند که مسبب اصلی بوده حسین علاء را هدف قرار دادند. به عبارت همه کس فهم‌تر سراغ انگلیسی‌ها نمی‌رفتند و با مخالفان انگلیس یا متمایلان به سیاست‌های آمریکا کار داشتند و رزم‌آرا را زدند که چه بسا در پی تأسیس جمهوری بود. همان‌گونه که فاطمی به جمهوری می‌انداشید و ترور شد.

مهندس عزت‌الله سحابی در صفحه ۹۹ کتاب خاطرات خود (نیم‌قرن خاطره و تجربه) می‌نویسد: «در جلسه‌ای با حضور نواب‌صفوی از فداییان اسلام و دکتر فاطمی، بقایی، مکی، شایگان از جبههٔ ملی و البته بدون حضور مصدق و کاشانی برخی از چهره‌های جبهه ملی گفتند شاه فعلاً خطرناک نیست و کارها زیر سر رزم‌آراست. نواب، فنجان چای خود را بر می‌گرداند و می‌گوید: به فرض که رزم‌آرا ساقط شد، ای شما قول می‌دهید احکام اسلامی را اجرا کنید؟»

گفته می‌شود مهمترین دلیل مخالفت بعدی نواب‌صفوی با مصدق همین بود که معتقد بود راه را آنان هموار کردند ولی جبهه ملی و مصدق به قول خود برای اجرای احکام اسلامی عمل نمی‌کنند و تنها دو پروژه نفت و انتخابات را در نظر دارند.

سرهنگ مصور رحمانی در خاطرات خود می‌نویسد: «زندانیان هم‌بند خلیل طهماسبی معتقد بودند تیر او موجب قتل رزم‌آرا نشده. البته او تیری انداخته بود ولی آن تیر اصابت نکرده است. زیرا ششش تیر کوچک او کالیبر کوچک است و سرعت اولیه کمی دارد حال آن که وسعت زیاد زخم گلوله و نفوذ عمیق آن در بدن رزم‌آرا نشان می‌داد گلوله ازسلاح کمری کلت و با کالیبر بزرگ رها شده که تنها ارتش در اختیار داشت.» و این نیز فرضیهٔ قتل رزم‌آرا به دست محافظ را تأیید می‌کند منتها مراقب اوضاع بوده و دم به تله نداده و همه پای خلیل طهماسبی نوشتند.

این حدس دشوار نیست که پرسیده شود اگر کار خلیل طهماسبی نبوده چرا انکار نمی‌کرد؟ و چرا در دادگاه چنین استدلال نکرد؟

اولاً خیال می‌کرد کار خودش بوده و نمی‌دانست گلوله‌ای دیگر هم شلیک شده و مهمتر اما به‌عنوان قاتل به او نمی‌نگریستند و حس قهرمان ناجی ملت یا حذف‌کننده مخالف شاه و ملت را داشت و بر سر مجاری دیگری دستگیر و اعدام شد و مهمتر البته حکایتی دیگر است:

در ۱۶ مرداد ۱۳۳۱ نمایندگان مجلس در اقدامی بسیار کم‌سابقه طرحی را با قید سه فوریت امضا و از جانب ملت ایران حکم تیرته صادر کردند: «ماده واحده: چون جنایت حاج‌علی‌رزم‌آرا در حمایت از اجانب بر ملت ایران ثابت است بر فرض که قاتل او استاد خلیل طهماسبی باشد از نظر ملت ایران بی‌گناه شناخته و تیرنه می‌شود.»- [مذاکرات مجلس شورای ملی- ۲۲ مرداد ۱۳۳۱]



امیر اسدالله علم:
در هواپیما نشسته بودیم. به سوئیس می‌رفتیم. شاهنشاه صحبت عجیبی فرمودند... هر که با من در افتاده از بین رفته... مثال برادران کندی را می‌زدند... در داخله هم مصدق و تا اندازه‌ای قوام‌السلطنه و رزم‌آرا که من یقین داشتم خیال سوءنیت به شاه داشت کشته شد. هنگام کشته شدن او من همراه او بودم. او نخست‌وزیر بود و من وزیر کار. با هم به مجلس فاتحه در مسجد شاه رفته بودیم. چندین گلوله به او خورد ولی من جان سالم به در بردم. در حالی که داشتم با او درِگوشی صحبت می‌کردم.

ملاحظه می‌شود که نمایندگان هم انتساب ترور به او را قطعی ندانسته‌اند اما چون رزم‌آرا را جنایت‌کار خوانده‌اند حکم دادند هر که او را کشته کار خوبی کرده چه حاجعلی چه دیگری! (این «حاج» بخشی از نام او بود وگرنه در عصر پهلوی سابقه نداشت کلمه حاج یا حاجی را بعد از عنوان نظامی بیاورند و در واقع بخشی از نام رزم‌آرا بود چون در شب عید قربان به دنیا آمده بود: ۱۰ فروردین ۱۲۸۰ خورشیدی) با این توصیفات روشن می‌شود که اگر هم می‌دانست با گلوله او قتلی رخ نداده انکار نمی‌کرد و سرهنگ مصور رحمانی می‌نویسد: «خلیل طهماسبی با اتکا به فضای ایجاد شده و عفو پس از آن سعی داشت ترور را به خود منتسب کند و به عکس بعد از کودتای ۲۸ مرداد هر چه سعی کرد این ترور را از خود باز کند تلاش او به جایی نرسید.»

محمد مهدی عبدخدایی از اعضای فداییان اسلام و ضارب دکتر فاطمی در نوجوانی اما می‌گوید: «این تحلیل که ترور رزم‌آرا کار فداییان اسلام نبوده قبل از انقلاب مطرح نبود و بعد از انقلاب جبهه ملی مطرح کرد تا مصدق در قضیه ملی شدن نفت یگانه باشد. حاج مهدی عراقی در خاطرات خود می‌نویسد: در جلسه‌ای با جبهه ملی تصمیم به ترور رزم‌آرا گرفته شد و ما به خلیل طهماسبی می‌گفتیم: حضرت. قتل سیاسی با قتل شخصی متفاوت است و تنها گروهی که قتل رزم‌آرا پذیرفت نیز فداییان اسلام بود.»

ضارب فاطمی بدین ترتیب اصرار دارد تا بگوید ترور کار «حضرت» بوده و بدین ترتیب نقش «اعلی حضرت» را انکار می‌کند یا نمی‌گوید کار «حضرت» به خواست «اعلیحضرت» بود یا نه؟!

دخالت دربار و شخص امیر اسدالله علم نیز مطرح شده است. اصرار شاه بر این که علم حتماً همراه رزم‌آرا باشد از دلایل این گمراه‌زنی است. مهندس سحابی می‌نویسد: «عده‌ای از محققین را نظر بر این است که گلوله‌ای که رزم‌آرا را از پا درآورد از سوی یکی از محافظین خود او و با هادایت شاه و دربار شلیک شده باشد. شاه

شنبه ۱۸ اسفند ۱۴۰۳
سال سوم. شماره ۷۴۲
www.hammihanonline.ir

نگران کودتا بود. اما ترور رزم‌آرا در هر حال در برنامه فداییان اسلام بود.»

با این اوصاف معما را می‌توان گشوده دانست. شاه از نخست‌وزیر خود بیم داشت و به او بی اعتماد بود. محمدرضاشاه می‌دانست که انتخاب خودش به ولی‌عهدی حاصل رای‌زنی فشرده محمدعلی فروغی در وضعیت خاص شهریور ۱۳۲۰ بوده و پروژه حکومت یک نظامی در ایران همواره دنبال می‌شده کما این که پدرش هم یک قزاق بود و کودتا کرد و رزم‌آرا به پدرش شبیه بود نه او. با این حساب چراغ سبز ترور را روشن و احتمالاً سیدضیاء را ترغیب کرد و مأموری برای اطمینان خاطر دنبال کار بود. تنها اشکال این فرضیه این است که علم عقل منفصل شاه بود و خود را به خطر نمی‌انداخت. مگر آن که نزدیک شدن علم به شاه را به دهه‌های بعد مربوط بدانیم.

یادمان باشد قرار نبود نواب صفوی و دوستان بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مورد غضب باشند و بر اساس تحقیقاتی که در آغاز اشاره شد تنها ۶ روز بعد از کودتا در بیانیه سوم شهریور ۱۳۳۲ در روزنامه کیهان از دولت زاهدی حمایت می‌کند و به او پیشنهاد وزارت فرهنگ می‌دهند و برای شرکت در مؤتمر اسلامی به اردن و مصر می‌رود و شخص شاه به او نیابت تولیت آستان قدس رضوی را البته به شرط اعلام کناره‌گیری از سیاست پیشنهاد می‌کند و این نقل بر مرحوم سحابی درست نیست که در روز کودتا ایران نبوده است. بوده اما سرگرم تشییع و تدفین همسرش بوده است.

با این وصف در مخالفت با رزم‌آرا بین شاه و مصدق و فداییان اسلام اتحادی نانوشته برقرار بود بی آن که جبهه ملی برنامه ترور داشته باشد. در مخالفت با مصدق هم بین شاه و فداییان اسلام اتحاد و اتفاق نظر بوده و وقتی نه رزم‌آرای باقی مانده بود و نه مصدقی بین فداییان اسلام و شاه اختلاف می‌افتد اما به خاطر همان روابط امتیازاتی در نظر می‌گیرند و ترور حسین علاء ولو نافر جام بهانه‌ای به دست شاه می‌دهد تا از آنان خلاص شود.

حوزه ثبت ملک لويزان تهران -آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه نرجس بختیاری با اعلام مفقود شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضا شده ۴۸۵۱۲ و ۴۸۵۱۱ مورخ ۱۰-۰۴-۱۴۰۳ دفترخانه ۵۶۷ تهران و درخواست وارده ۱۵۰۲۲۰۰۵۱۵۵۱۵۵۱۴۰۳۸۱ مورخ ۱۰-۰۴-۱۴۰۳ تقاضای صدور المثنی اسناد مالکیت را نموده‌اند، مراتب در اجرای ماده ۱۰۱ آیین‌نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می‌گردد:
نام و نام خانوادگی مالک: نرجس بختیاری شماره پلاک ثبتی: ۱۳۹۹۹ فرعی از ۶۷۱۹ اصلی علت کم شدن: جابجایی خلاصه وضعیت ملک: سند مالکیتی تک برگ ششدانگ ایباتی یک دستگاه آپارتمان مسکونی با عرصه وقف به پلاک ثبتی ۱۳۹۹۹ فرعی از ۶۷۱۹ اصلی قطعه اتفکیکی مفروز و مجزا شده از ۲۴ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۲ تهران به مساحت ۱۱۴۰۹۰ مترمربع واقع در طبقه ۱۳۰۷۸ مترمربع آن باالکن است به انضمام پارکینگ مسکونی مزاحم ۴ تفکیکی به مساحت ۱۲۵ مترمربع واقع در سمت غربی همکف به انضمام انباری مسکونی قطعه اتفکیکی به مساحت ۲۰۰۵ مترمربع واقع در سمت شرقی همکف با قدرالسهم از عرصه و سایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمان‌ها و آیین‌نامه اجرایی آن ذیل ثبت الکترونیک ۱۴۰۳۰۳۰۳۰۱۵۵۱۵۵۱۳۶۹۹ مورخ ۱۴۰۳۰۳۰۳ سرب ب سال ۱۴۰۲ به نام نرجس بختیاری ثبت و صادر و تسلیم گردیده است. اینک با توجه به اعلام مفقودی سند مالکیت مورد ثبت فوق‌الذکر و درخواست صدور المثنی آن؛ مراتب اعلام تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی، معامله کرده و این معامله در این آگهی قید نگردیده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. بازداشت ندارد. تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

ابوالفضل تریوه/ رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک لويزان تهران، از طرف سیدمجیدرضا سادات حسینی

حوزه ثبت ملک سعادت آباد تهران - آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت یکدانگ و نیم مشاع از ششدانگ یک قطعه آپارتمان نوع ملک طلق به پلاک ثبتی ۹۸۲۶ فرعی از ۱۱۷ اصلی، مفروز و مجزاشده از ۱۵۵ فرعی از اصلی مذکور، در طبقه همکف قطعه اول واقع در بخش ۱۱ ناحیه ه حوزه ثبت ملک سعادت‌آباد تهران استان تهران به مساحت ۲۴۸/۳۷ مترمربع به انضمام یکدانگ و نیم پارکینگ‌های شماره ۶ و ۱ واقع در حیاط جنوب پارکینگ ۵ و سمت غربی طبقه همکف به مساحت‌های ۱۰۵ و ۲۹۰۸۸ مترمربع که ذیل صفحه ۵۰ دفتر املاک جلد ۲/ ۱۳۸۵ به نام ویدا یوسفیان ثبت و تحت چاپی ۳۱۹۴۷۵ صادرگردیده است. اینک خانم ویدا یوسفیان که بد کم ملی ۵۵۵۳۳۳۵۵۸۱ مورخ ۱۴۰۳۰۳۰۳۰۱۵۵۱۴۵۵۱۳۶۹۹ فرعی از ۱۱۷ اصلی، مفروز و مجزاشده از ۱۵۵ فرعی از اصلی مذکور، در طبقه ۱۱ ناحیه ه حوزه ثبت ملک سعادت‌آباد تهران استان تهران برگ تقاضا به شماره وارده ۱۴۰۳۰۳۰۳۰۱۵۵۱۴۵۵۱۳۶۹۹ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۰ مدعی فقدان سند مالکیت مذکور گردیده است که به علت سهل انگاری مفقود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی آن را از این اداره نموده است. لذا مراتب در اجرای ماده ۱۰۱آیین‌نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم و یا وجود سند مالکیت آن نزد خود می‌باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف ۱۰ روز اعتراض خود را کتبا به ضمیمه اصل سند مالکیت به این منطقه تسلیم نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد. بدیهی است اصل سند مالکیت پس از ملاحظه به ارائه‌دهنده اعاده خواهد شد و به اعتراض بدون ارایه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نخواهد شد. در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی، سند مالکیت المثنی پلاک مذکور صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.

سیدمهرداد صفائی/ رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سعادت‌آباد تهران، از طرف حسن افشاری

حوزه ثبت ملک سعادت‌آباد تهران - آگهی فقدان سند مالکیت

سند دفترچه‌ای یکدانگ و نیم مشاع از ششدانگ یک دستگاه آپارتمان در طبقه دوم به مساحت ۲۴۹۰۴۱ مترمربع که مقدار ۹۰۴ مترمربع آن باالکن است قطعه چهار تفکیکی به پلاک ثبتی ۹۸۲۵ فرعی از ۱۱۷ اصلی، مفروز و مجزاشده از ۱۵۵ فرعی از اصلی مزبور، واقع در بخش ۱۱ ناحیه ۵۲ حوزه ثبت ملک سعادت‌آباد تهران به انضمام پارکینگ شماره ۴ واقع در حیاط جنوب پارکینگ ۳ به مساحت ۱۰۵ مترمربع و پارکینگ ۵ به مساحت ۱۰۵ مترمربع واقع در حیاط جنوب پارکینگ ۴ که در صفحه ۴۲ دفتر املاک جلد ۲/ ۱۳۸۷ به نام ویدا یوسفیان ثبت و سند تحت چاپی ۳۳۳۶۰۵۵ ثبت گردیده است. اینک خانم ویدا یوسفیان به کد ملی ۵۵۵۳۳۳۵۵۸۱ مورخ ۱۴۰۳۰۳۰۳۰۱۵۵۱۴۵۵۱۳۶۹۹ فرعی از ۱۱۷ اصلی، مفروز و مجزاشده از ۱۵۵ فرعی از اصلی مذکور، در دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۴۷۶ تهران برگ تقاضا به شماره وارده ۱۴۰۳۰۳۰۳۰۱۵۵۱۴۵۵۱۳۶۹۹ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۰ مدعی فقدان سند مالکیت مذکور گردیده است که به علت سهل انگاری مفقود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی آن را از این اداره نموده است. لذا مراتب در اجرای ماده ۱۰۱آیین‌نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم و یا وجود سند مالکیت آن نزد خود می‌باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف ۱۰ روز اعتراض خود را کتبا به ضمیمه اصل سند مالکیت به این منطقه تسلیم نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد. بدیهی است اصل سند مالکیت پس از ملاحظه به ارائه‌دهنده اعاده خواهد شد و به اعتراض بدون ارایه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نخواهد شد. در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی، سند مالکیت المثنی پلاک مذکور صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.

سیدمهرداد صفائی/ رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سعادت‌آباد تهران، از طرف مصطفی کلپورر

حوزه ثبت ملک پیروزی تهران - آگهی فقدان سند مالکیت موضوع پلاک ثبتی ۲۳۹ فرعی از ۳۷۸۹ اصلی واقع در بخش ۷ تهران

نظر به اینکه خانم مریم خواجوی‌نژاد با ارائه دو برگ استشهادیه به شماره ۲۹۱۲۴ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۸ تأییدیه دفتر ۱۲۲۲ تهران و درخواست وارده ۳۹۶۳۳ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۸ مدعی است که سند مالکیت ششدانگ یک قطعه آپارتمان نوع ملک طلق با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۲۳۹ فرعی از ۳۷۸۹ اصلی، مفروز و مجزاشده از ۱۳۰ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۶ در طبقه ۲ و واقع در بخش ۵۷ ناحیه ه حوزه ثبت ملک پیروزی تهران استان تهران به مساحت ۶۸ مترمربع که مقدار ۴/۳۲ مترمربع آن باالکن است. بانضمام انباری قطعه ۵ به مساحت ۱۰۹۷ مترمربع و پارکینگ قطعه ۵ به مساحت ۸۰۰۸ واقع در طبقه همکف ذیل ثبت ۳۸۴۹۳۳ صفحه ۳۳۳۲ دفتر املاک جلد ۲/ ۱۳۴۷ بشماره چاپی ۷۰۵۱۸ به نام عبدالله شمسعلیتی ثبت، صادر و تسلیم گردید. سپس به موجب سند انتقال ۹۰۶۴۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۹ دفترخانه ۳۳۲۲ تهران به شهریارانو سلمانی حسین‌آبادی منتقل سپس به موجب سند ۹۷۷۱ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۲۸ دفترخانه ۳۳۲۲ تهران به عبدالله شمسعلیتی منتقل متعاقبا به موجب سند انتقال ۱۰۶۸۶ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۰۴ دفترخانه ۳۳۲۲ تهران به مریم خواجویی منتقل گردیده است. که مالک به علت مفقودی در جابجایی، درخواست صندر المثنی سند مالکیت را نموده‌اند؛ لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی مورخه ۲۲/۹/۱۳۸۵ ماده ۱۱۰ آیین‌نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسناد فوق و یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود می‌باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نمایند تا مورد رسیدگی قرار گیرد در غیراینصورت پس از انقضای مهلت مزبور و عدم وصول اعتراض نسبت به صدور المثنی سند مالکیت طبق مقررات اقدام خواهد شد.

محسن دهائی/ رئیس حوزه ثبت ملک پیروزی تهران، از طرف مهدی نایب‌زاده

م‌الف:۱۷۴۴۷

آئمه جمعه



تجمع حامیان قانون پشت بیت آیت‌الله جوادی آملی

درحالی‌که در هفته جاری یکبار دیگر بیان شده که مسعود پزشکیان، قانون عفاف و حجاب را به علت تبعاتی که ممکن است داشته‌باشد، اجرایی‌کند، موج اعتراضات از سوی مدافعان این قانون آغاز شده است و آنها با تمام توان خود باز هم به میدان آمده‌اند تا این قانون را اجرا کنند. از یکسوی‌روز جمعه‌فیلمی منتشر شد که تعداد انگشت‌شمار از زنان مدافع این قانون مقابل دفتر آیت‌الله عبدالله جوادی آملی تجمع کرده و خواهان دخالت‌مراجع تقلیددر اجبار دولت‌برای اجرای این قانون هستند. از سوی دیگر برخی از آئمه جمعه‌در خطبه‌های روز گذشته هم‌به این موضوع اشاره کردند.

حکم خدا را اجرا کنید

سیداحمد خاتمی، امام جمعه موقت تهران در بخشی از خطبه‌های این هفته خطاب‌به دولت‌ومجلس‌گفت: «طرفداران سکولاریسم می‌گویند در هیچ کجای قرآن مسئله‌سیاست مطرح‌نشده است‌وباقران‌رانی‌فهمید و یا سیاست را نمی‌فهمید. حاکم باید حاکم الهی باشد مسئولان از صدر تا ذیل در نظام اسلامی طبق قانون اساسی موظف به اجرای قانون الهی هستند.» او ادامه داد: «شما نمایندگان مجلس و دولتمردان در مجلس و پیشگاه مردم قسم خوردید که قانون را اجرا کنید‌باز هم برای چندمین بار به صراحت می‌گویم مسئولان محترم حجاب از بدیهیات دین و مسلمات بی‌تردید دین است.قانون حجاب حکم خداست و باید اجرایی شود. مسئولان محترم بدانند حجاب از بدیهیات دین و مسلمات بی‌تردید دین است.»

مقابل خدا ایستاده‌اید

احمد علم‌الهدی، امام جمعه مشهد در خطبه‌های نماز جمعه‌ای هفته‌گفت: «واقعاً اجرای قانون حجاب، ایستادن رویه‌روی مردم است؟ این همه روزه‌دار و نمازخوان مردم نیستند؟ این آدم‌های مسجدی و «یک‌باله» گوی شب احیا مردم نیستند، مردم تنها عده‌ای خانم خاص هستند که در مقابل مردم نایستید؟ نمایندگان مجلس نمایندگان مردم نیستند؟ بیش از ۸۰ درصد نمایندگان مردم برای قانون حجاب طومار نوشتند، این‌ها مردم نیستند؟» او ادامه داد: «شما خدا و آیه قرآن را قبول دارید، خداوند در آیه ۴۱ سوره حج می‌فرماید «بندگان ما که مکنت، قدرت و حکومت پیدا می‌کنند، نهی از منکر می‌کنند»، حالا بگویید ما نهی از منکر نمی‌کنیم چون نمی‌خواهیم در مقابل عده‌ای بایستیم؟ اگر بخواهید به‌خاطر قانون حجاب در مقابل عده‌ای خاص نایستید، باید در نقطه مقابلش یعنی در مقابل خدا بایستید. در مقابل انجام فریضه الهی کار ما به اینجا رسیده‌ا »

چه کسی گفته حجاب اجباری؟

سیدمحمد مهدی حسینی‌همدانی، امام جمعه کرج هم گفت: «بحث عفاف سر جای خود؛ بحث حجاب هم یک بحث شرعی و فقهی است و جنبه سیاسی پیدا کرده است. هر کسی موظف است حجاب خود را حفظ کند. کسی نگفته این حجاب اجباری است. مگر کسی گفته افراد مقنعه بیوشند یا چادر بیوشند؟ بحث سر پوشش است. هر جامعه‌ای برای پوشش، دستورات و مقرراتی دارد.» او ادامه داد: «در کنار دریا، در استخر، در زمین ورزشی، در محل کار در هر کدام از این شرایط باید متناسب با آن لباس پوشید؛ این پوشش است‌بحث حجاب بحث دیگری است. چه کسی گفته حجاب اجباری؟ مگر می‌شود‌به حجاب اجبار کرد؟ چیزی که شرع گفته خود افراد باید رعایت کنند. بحث سر جامعه و محیط اجتماعی و روابط اجتماعی است.»

توصیه شهدا در باره حجاب

سیدمحمد سعیدی، امام جمعه قم در بخشی از خطبه‌های این هفته خود گفت: «شهیدان دو نوع وصیت داشته‌اند، یکی نوشتنی و دیگری نیز عملی، که باید هر دوی این وصیت‌ها را مطالعه، و در آنها تفکر و تأمل کنیم. در وصیت‌نامه شهیدان در مورد حجاب توصیه شده، چون حجاب یک حکم دینی است.»

امت انقلابی انتظار دارد

سیدمجتبی میردامادی، امام جمعه اصفهان هم در بخشی از خطبه‌های خود گفت: «حدود ۲۶۰ نفر از نمایندگان مجلس طوماری را برای اجرای قانون عفاف و حجاب به امضا رساندند، در این راستا مسئولان باید توجه داشته باشند امروز امت انقلابی انتظار دارد که قوانین اسلامی و قانون حجاب اجرا‌شود.»